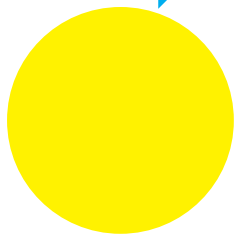




ایران



• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی متقیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۲۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری

• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

امام موسی کاظم(ع):

حق را بگو، اگرچه نابودی تو در آن باشد زیرا نجات تو در همان است.



سخن‌روز



«وحشی ۲» هومن سیدی آماده پخش

فصل دوم «وحشی» به کارگردانی هومن سیدی و تهیه‌کنندگی محمدرضا صابری آماده پخش شد. چندی پیش اولین فصل «وحشی» به عنوان اولین سریال ایرانی در بخش غیررقابتی جشنواره فیلم تورنتو (TIFF) حضور یافت. این فصل در یازده قسمت تولید شده و پیش‌بینی می‌شود قصه فرار داوود از زندان روایت شود. هومن سیدی که موفق شده بود با سریال «قورباغه» گام بزرگی در سریال‌سازی شبکه نمایش خانگی بردارد، با سریال «وحشی» عنوان پربیننده‌ترین سریال سال ۱۴۰۴ را از آن خود کرد. /ایسنا



انتشار تازه‌ترین پروژه مشترک همایون شجریان و فردین خلعتبری

نسخه مجازی تازه‌ترین پروژه مشترک فردین خلعتبری، آهنگساز و همایون شجریان، خواننده موسیقی ایرانی در قالب موسیقی متن سریال «جیران» طی روزهای پیش رو در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرد. «تلفیق خون و برف و بهار...» عنوان این اثر موسیقایی است که در قالب چهار قطعه موسیقایی در دسترس علاقه‌مندان موسیقی ایرانی قرار می‌گیرد. «در این شب سیاه» با شعرامیرحسین الهماری، «مدارا» با ترانه اهورا ایمان، «در این نماغم باران» با شعر اهورا ایمان و «گریه کن» با شعر اهورا ایمان، اسامی قطعاتی هستند که در این آلبوم گنجانده شده‌اند. /مه‌ر



زمام امور اتحادیه کارگردان‌های آمریکا در دست کریستوفر نولان

کریستوفر نولان به عنوان رئیس جدید انجمن کارگردانان آمریکا زمام امور اتحادیه کارگردان‌های آمریکا (DG) را به دست می‌گیرد. کارگردان «اوپنهایمر»، در حالی که اتحادیه برای مذاکرات آینده با استودیوهای بزرگ آماده می‌شود، این مسئولیت را پذیرفت، نولان، برنده جایزه اسکار و یکی از موفق‌ترین کارگردان‌های نسل خود، جانشین لسلی لینکا گلاتر می‌شود که در ۲ دوره اخیر هدایت این انجمن را برعهده داشت. انتخاب نولان نمونه‌ای نادر از انتخاب یک چهره درجه یک است که در اوج قدرت حرفه‌ای خود سکان هدایت اتحادیه را به دست می‌گیرد. /مه‌ر



نقل قول

سینمایی که حرف‌های ناپسند در آن اگر چه به طور غیرمستقیم زده می‌شود، که شاهد آن هستیم، سینمایی ما ادب داشت. نمی‌شود که آقایان برقصند و خانم‌ها دست بزنند. برای ما بازیگران که سال‌های زیادی در این سینما کار کردیم، این رفتارها زشت است. کاری به دین و مذهب ندارم اما برای ما به عنوان یک شخصیت یا کاراکتر، چرا باید شاهد چنین حرکت‌هایی باشیم؟ آن هم در زمان خودش خوب است ولی نه اینکه همه فیلم‌هایمان بشود رقص. اگر خوب بود که قدیمی‌ها در زمان خودشان رقص‌های خوبی هم بودند. ما ادا‌ی آنها را درمی‌آوریم. لایه لای اینها حرف‌هایی هم زده می‌شود که خوشایند کسی باشد. این تضادها خیلی نابخشودنی است.



از صحبت‌های ابوالفضل پورعرب با ایرنا

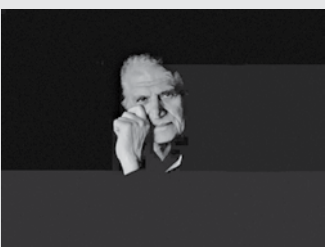
یادداشت

حامد زارع

روزنامه‌نگار



پژمان در باغ نشاط



چندی پیش بود که خبر درگذشت احمد پژمان موسیقیدان نامدار ایرانی مخابره شد. هنرمندی که اگرچه دور از وطن و در ایالات متحده مرگ را پذیرا شد، اما به همت مردان نیک‌اندیش زادگاهش که هزینه ده‌ها هزار دلاری انتقال پیکر او را متقبل شدند، برای تشییع و خاکسپاری به ایران باز می‌گردد.

از زمان انتشار خبر انتقال پیکر روان شاد پژمان به زادگاهش، شهر لار، تلاش‌ها

برای جانمایی مکانی مناسب برای خاکسپاری این هنرمند سرشناس توسط اهالی فرهنگ و هنر آغاز شد. اکنون پس از رازینی‌ها و همفکری‌های گسترده، محوطه باغ نشاط لار که یکی از برجسته‌ترین بناهای به یادگار مانده از دوره صفوی در جنوب ایران است بدین منظور در نظر گرفته شده است. هر چند باغ نشاط لار از سال ۱۳۵۳ خورشیدی در فهرست آثار ملی ایران قرار دارد، اما تجربه خاکسپاری هوشنگ ابتهاج در باغ محتشم نشان داد آنگاه که پیکر چهره‌ای فرهنگی در دل مکانی فرهنگی - تاریخی به خاک سپرده می‌شود، پیوندی میان گذشته، حال و آینده برقرار می‌شود. مکان‌هایی که خود حامل تاریخ، حافظه جمعی و نماد هویت شهری‌اند با حضور این بزرگان به فضاهایی «زنده» بدل شده‌اند؛ فضاهایی که صرفاً مکان دفن نیستند، بلکه فرصتی برای زنده نگه داشتن گفت‌وگوی فرهنگی میان نسل‌ها نیز به شمار می‌رود.

خاکسپاری احمد پژمان در باغ نشاط از چند جهت حائز اهمیت است: نخست اینکه باغ نشاط که واجد ارزش تاریخی است، امروز به واسطه حضور پژمان، بار دیگر در ذهن جمعی زنده شده و مورد توجه مردم، هنرمندان و گردشگران قرار می‌گیرد. دوم اینکه آرامگاه‌هایی که در مکان‌هایی خاص باشند نوعی ایستادگی در برابر فراموشی به شمار می‌روند و حضور احمد پژمان در باغ نشاط یادآوری و بقیه‌ای از ارزش اندیشه، هنر و فرهنگ است. بدیهی است خاکسپاری بزرگان در اماکن تاریخی اگر با در نظر گرفتن جایگاه ممتاز فرد، حفظ موقعیت تاریخی مکان و البته آن چیزی که مدیران آن نگاه بلندمدت فرهنگی می‌نامند، انجام شود می‌تواند گامی بلند در مسیر پاسداشت حافظه ملی باشد؛ حافظه‌ای که اگر از آن غافل شویم خود را از آینده نیز محروم کرده‌ایم.

نقد



علی نعیمی

منتقد سینما

محمود کلاری نامی است که در تاریخ سینمای ایران با مفهوم «تصویر» گره خورده است. او طی چهار دهه فعالیت به عنوان فیلمبردار، برخی از مهم‌ترین و ماندگارترین لحظات سینمای ایران را ثبت کرده است؛ از همکاری با علی حاتمی و داریوش مهرجویی تا تجربه مشترک با اصغر فرهادی در جدایی‌ناذر از سه‌سیم که افتخارات جهانی برای او و سینمای ایران به همراه آورد. کلاری تنها ایرانی است که موفق به کسب قورباغه نقره‌ای و نامزدی قورباغه طلایی جشنواره معتبر کمرلیمپج شده است؛ افتخاری که جایگاه او را در

میان فیلمبرداران جهانی تثبیت می‌کند. اما حضور دوباره او در مقام کارگردان با فیلم - سومین ساخته بلندش - پیش از هر چیز نشان می‌دهد که تفاوت میان «چشم یک فیلمبردار» و «ذهن یک روایتگر سینمایی» تا چه اندازه می‌تواند سرنوشت یک فیلم را تعیین کند.

فیلم «آدم فروش» به لحاظ بصری بی‌تردید یکی از شاخص‌ترین آثار سال‌های اخیر است. کلاری با تکیه بر مهارت کم‌نظیرش در نورپردازی و رنگ‌آمیزی قاب‌ها، فضایی گرم، نوستالژیک و شاعرانه خلق کرده است. استفاده از نور زرد به عنوان نشانه‌ای از خاطرات دور، رنگ‌های اشباع شده و ترکیب بندی‌های پر جزئیات، جهانی می‌سازند که یادآور آلبوم‌های قدیمی خانوادگی است. تماشای فیلم از این منظر لذت‌بخش است؛ هر قاب به‌تنهایی می‌تواند به عنوان عکسی مستقل روی

دیوار نشسته و مخاطب را مجذوب کند. همین ویژگی باعث می‌شود «آدم فروش» فیلم - سومین ساخته بلندش - پیش از هر چیز نشان می‌دهد که تفاوت میان «چشم یک فیلمبردار» و «ذهن یک روایتگر سینمایی» تا چه اندازه می‌تواند سرنوشت یک فیلم را تعیین کند.

فیلم «آدم فروش» به لحاظ بصری بی‌تردید یکی از شاخص‌ترین آثار سال‌های اخیر است. کلاری با تکیه بر مهارت کم‌نظیرش در نورپردازی و رنگ‌آمیزی قاب‌ها، فضایی گرم، نوستالژیک و شاعرانه خلق کرده است. استفاده از نور زرد به عنوان نشانه‌ای از خاطرات دور، رنگ‌های اشباع شده و ترکیب بندی‌های پر جزئیات، جهانی می‌سازند که یادآور آلبوم‌های قدیمی خانوادگی است. تماشای فیلم از این منظر لذت‌بخش است؛ هر قاب به‌تنهایی می‌تواند به عنوان عکسی مستقل روی

لزم را پیدا نمی‌کنند. قهرمان فیلم در پایان به‌طور ناگهانی و تنها با یک نریشن منفور می‌شود، بدون آنکه این تغییر به‌لحاظ منطقی برای مخاطب باورپذیر باشد. دیگر شخصیت‌ها نیز بیش از آنکه کشش مند و زنده باشند، در حد تیپ باقی می‌مانند. همین کاستی ساسب می‌شود که «آدم فروش» در بُعد داستانی، اثری کم‌رقم جلوه کند.

کلاری با انتخاب سال ۱۳۳۲ و کودتای ۲۸ مرداد، عملاً یکی از مهم‌ترین بزنگاه‌های تاریخ معاصر ایران را به‌عنایت پس‌زمینه برگزیده است. اما برخلاف انتظار، این ریزش تاریخی نه در پیشبرد روایت نقشی جدی دارد و نه در شخصیت‌پردازی. اشاره‌ها به وقایع کودتا در حد چند اعلامیه و صحنه‌های خیابانی باقی می‌مانند و هیچ تأثیر بنیادینی بر سرنوشت کاراکترها نمی‌گذرانند.

نتیجه این است که پیوند میان امر

تنهایی دیجیتال در هزارتوی شبکه‌های اجتماعی



محتاط، گریزنده و بی‌حوصله ما در استفاده افراطی از این ابزارها فراکنی می‌شود. بهره‌گیری از این وسایل ما را واجد یک دوگانگی رفتاری کرده به طوری که حتی زمانی که به ارتباط با فردی گرایش داریم از او می‌گریزیم و اشتیاق ما به دیگری با ترس و هراس از او همراه می‌شود. بیست شبکه‌های اجتماعی، بخشی از این تعارض پنهان را بازتاب می‌دهد. این طوری انکار هم از دیگران مصون می‌مانیم و هم با آنها معاشرت می‌کنیم. این شمایل تازه از تنهایی انسان معاصر است! اگر بخواهیم کمی مصداق‌تر به این موضوع بپردازیم می‌توانیم به کمربند شدن مناسبات

تلفن همراه با اینترنت بیش از آنکه به عنوان مظاهر وسایل ارتباط جمعی محسوب شوند به یک نوع فردیت و فردگرایی مدرن دامن زده‌اند و برعکس نام با کارکرد ظاهریشان به جدایی و فاصله بیشتر آدم‌ها دامن زده‌اند. اگرچه امروزه به واسطه گسترش ارتباطات الکترونیک شاهد توسعه روابط فردی و مناسبات انسانی آدمی در سطح جهانی هستیم، اما این روابط به ظاهر گسترده به گوشه یک اتاق و پشت میز رایانه ختم شده است. فردگرایی و اصالت هویت فردی یکی از ویژگی‌های انسان و جوامع مدرن است که هم توسط این ابزارها و ساختارهای جدید ارتباطی شکل گرفته و توسعه‌یافته و هم فردگرایی انسان جدید، میل به استفاده از این ابزارها را افزایش داده است. گسترش هوش مصنوعی و کاربرد آن هم مزید بر علت شده و به جای رابطه انسان با انسان، رابطه انسان با ماشین در حال افزایش است. تمام این رخدادها موجب فاصله بین انسان‌ها و کاهش روابط انسانی و در نهایت موجب افزایش احساس تنهایی و آسیب‌های آن شده است.

به عبارت دیگر میل به گریز از دیگری امروزه به واسطه تکنولوژی‌های ارتباطی فراهم شده و حتی بخشی از ماهیت

تماس حضوری یا صوتی با همکاران خود ترجیح می‌دهیم از طریق شبکه‌های اجتماعی با آنها ارتباط برقرار کنیم و مدام از حضور دیگری با ظهور خود در نزد دیگری گریزانیم.

توسعه کمی وسایل ارتباطی نوین به افت کثیفی روابط چهره به چهره و فیزیکی انسان‌ها دامن زده است و همچنین تنهایی دیجیتال را در سطح عمومی نهادینه می‌کند. انسان معاصر در عین برخورداری از انواع مختلف و متنوع ابزارهای ارتباطی روزبه‌روز تنهاتر شده و دراک فردیت خود پنهان می‌شود. شیرینی و جذابیت پنهان روابط مجازی نیز گاه موجب می‌شود تا تلخی این واقعیت اجتماعی کمتر حس شود و با توسعه روزافزون انواع امکانات جدید، انسان‌ها بیشتر به دنیای دورنی و شخصی‌تر خود پناه می‌برند و چه بسا ریشه بسیاری از افسردگی‌ها و بداخلاقی‌های اجتماعی ما به‌فهم این موضوع قابل درک باشد. «تنهایی دیجیتال»، البته کارکردهای مثبتی هم دارد و صرفاً یک تنهایی پوچ و کسل‌کننده نیست، اما بیست افراطی آن می‌تواند افسردگی و انزوا انسانی را در جامعه دامن بزند. تنهایی دیجیتال با اجتماعی‌بودن اجباری، در دوری یک سکه‌اند که هیچ‌کدام با ظفرت و سرشت آدمی سرسازگی ندارد. باید مراقب بود تا شبکه‌های اجتماعی، جایگزین ارتباطات انسانی نشود.



انسان معاصر

در عین

برخورداریودن

از انواع

مختلف

و متنوع

ابزارهای

ارتباطی

روزبه‌روز

تنهاتر شده و

در لاک فردیت

خود پنهان

می‌شود